

## دو نگی؛ وجدان بشریت

با چه حرص و ولعی به مجموعه گُره‌ای «دو نگی» نگاه می‌کنیم. زنان و مردان جامعه ما چگونه مبهوت داستان جذاب و پرکشش آن می‌شوند؟! اگر دلیل آن را در وضعیت پوشش و جلوه‌های بصری زندگی شاهانه آسیایی آن‌ها جستجو کنیم، فیلم‌ها و حتی انیمیشن‌هایی از رسانه پخش شده است که در این زمینه جلوتر بوده است. حتی اگر نگاه بسته ضد آزادی و مستبدانه‌ای که در سراسر این مجموعه تلویزیونی دیده می‌شود را به دلیل انطباق با گذشته تاریخی این اقلیم در پذیرش اجتماعی آن دخیل بدانیم که نوعی قشرسالاری و نظام طبقاتی و اشرافی‌گری را به نمایش در می‌آورد، این نمی‌تواند اسباب جذآبیت در کشوری مانند ایران باشد که بیشتر ضدارزش تلقی می‌گردد تا ارزش.

پس این استقبال از چه منظری قابل توجیه است؟!

همزادپنداری با تمامی شخصیت‌های قصه. جذاب‌ترین چیزی که در این مجموعه قابل توصیف است، داستان پرتنشی است که با شخصیت‌پردازی قدرتمند خویش، توانسته همزادپنداری‌ای را که در سایر مجموعه‌ها و نمایش‌های تلویزیونی یا سینمایی معمولاً با یک یا چند شخصیت برقرار می‌شود، آن‌چنان تعمیم دهد که با «تقریباً» تمام شخصیت‌های اصلی همراه شود.

تمام ما انسان‌ها یک «امپراطور» در نفس خود داریم. امپراطوری که در قلمرو اندیشه ما حضور دارد و در وجود ما گسترده شده و رفتارهای ما را کنترل می‌کند. همه ما «وجدان» یا نفس لوامه‌ای داریم که پیوسته در تلاش است راه صحیح را ترویج کند و ما را به سمت و سوی درستی بکشانند. همه ما «قدرت طلبی» داریم که نفس اماره بالسوء درون ما محسوب می‌شود و از خودخواهی، تکبر و غرور ما سرچشمه می‌گیرد. همه ما اطرافیانی داریم که با اعمال زشت خود ما را به سوی جهالت سوق می‌دهند و در بدی‌ها یاری‌مان می‌کنند و تشویق. آن‌جایی که ما هم دیگران را به بدی دعوت می‌کنیم، همزاد شخصیت‌هایی از این قصه می‌شویم، گاهی «مادر» می‌شویم و دختر و پسر خود را به خاطر رسیدن به مطامع نفسانی خود به زشتی سوق می‌دهیم. گاهی «برادر» می‌شویم و برای قدرت بیشتر خواهر خود را فریب می‌دهیم. گاهی به عنوان یک «دوست» نقشی انحرافی بر عهده می‌گیریم و رفیق ناباب می‌شویم.

وقتی مجموعه «دو نگی» را نگاه می‌کنیم، ناخودآگاه تمامی خصلت‌ها و رفتارهای روزمره خود را می‌بینیم. خانواده خود را می‌بینیم که چگونه دستخوش تلاطم حوادث می‌شود و به خاطر حسادت‌ها و قدرت‌طلبی‌ها دست به دست می‌گردد و به تزلزل می‌افتد. خانواده زن و اطرافیان شوهر را می‌بینیم که هر کدام چگونه برای دست‌یابی به قدرت بیشتر دندان تیز کرده‌اند. بهترین‌ها را می‌بینیم که چگونه در طوفان حوادث تغییر شخصیت می‌دهند و از انسان به حیوان بدل می‌گردند. وقتی مجموعه «دو نگی» را می‌بینیم، با درون خود مواجه می‌شویم؛ با کش‌مکش‌هایی که هر روز ما در تردیدی سخت نگه می‌دارند و از رسیدن به مقصد باز می‌دارند.

مجموعه تلویزیونی «دو نگی» نمای باز از یک انسان است که برای سامان دادن به قوای روحی خود در تلاش است. شخصیت «دو نگی» هم درمانگری است که سمبل پاکی کودکانه همه ماست و همیشه همراه بوده و از نظر ما پنهان. اکنون که آن را یافته‌ایم، امپراطور وجودمان به خاطر عشق به آن سلامت نفسی که در کودکی داشته و لوح پاکی که با اشتباهات ما لکه شده، سعی دارد این وجدان را قدرت دهد و به مقامی رفیع برساند. می‌خواهد به او اعتماد کند و از ناپاکی خودخواهی و قدرت‌طلبی رها گردد. راز پسند اجتماعی این سریال در این قدرت «انسان‌شناسانده» است.